

مصاحبه اختصاصی مجاهد ولس با استاد محمد عزیز نعیم در رابطه با مناسبات سیاسی افغانستان با پاکستان

اقتباس از شماره ۲۴۵ نشریه مجاهد ولس سال ۱۳۷۶

کشیدگی مناسبات بین افغانستان و پاکستان وقتی از عمق به سطح آمد، که خواجه ناظم الدین گورنر جنرال آنکشور (۱۹۴۸-۵۱) سرحد آزاد را جزو لایتنجای پاکستان خواند. در آن هنگام رئیس جمهور مرحوم محمد داوود در راس حکومت قرار نداشت، بلکه بحیث سفير کبير افغانی در پاریس ایفای وظیفه مینمود. در راس حکومت مرحوم شاه محمود خان قرار داشت. داود خان بحیث یک افغان وطنپرست و متعهد، بیکر جدا شده کشور ما در آنطرف خط دیورند همیشه رئیس جمهور مرحوم را رنج میداد و بنا با تحقق حل عادلانه این کشیدگی همیشه پافشاری میکرد. درست است که هنگام تصدی آن مرحوم در راس حکومت از ۱۹۵۳ الی ۱۹۶۳ روابط با پاکستان حادث شد، اما در حقیقت اعمال پاکستان موجب این عکس العمل ها گردید، که تفصیلش خارج از حوصله این مصاحبه است.

این اختلاف نظر همچنان در دهه بعد از استعفای شهید داود خان، از صدارت بین افغانستان و پاکستان دوام داشت و لاینحل ماند. از دست دادن فرصتهای مناسب، مخصوصا در دو سال اول بعد از تخلیق پاکستان، بهره برداری های ناسالم و سوداگری سیاسی درین روابط مسئله پشتونستان را به بیراهه کشاند، که دوام کشیدگی در نتیجه آن با پاکستان به منفعت ملی افغانستان نبود. با درک این واقعیت مرحوم داود خان هنگام ریاست جمهوری اش قدم اول را در راه اصلاح روابط با پاکستان و حل عادلانه این قضیه برداشت.

نزدیکی مناسبات با روسیه شوروی نیز در رابطه با کشیدگی با پاکستان دارای ارتباط میباشد. از آغاز کشیدگی روابط بین افغانستان و پاکستان، کشور ما مورد تهدید پاکستان قرار میگرفت. بمباری (مغلگی) در ۱۹۴۹ یکی از مثال های آن میباشد. بعد از اینکه پاکستان داخل سیستم دفاعی غرب شد و جبهه خانه اش با سلاح های جدید امریکایی مجهز گردید، نه تنها این تهدیدها افزایش یافت، بلکه بیموازنگی نیرو های جنگی بین کشورهای ما نیز بیشتر گردید. با اینکه دولت افغانستان بیش از (۹) بار به دولت امریکا بخاطر دریافت اسلحه مراجعه نمود، اما هربار نه تنها جواب منفی داده می شد، بلکه آنچنان قید و شرط سیاسی پشنهاده میگردد که با پرنسیپ های اساسی ملت ما تضاد داشت. این تهدیدها و این بیموازنگی، افغانستان را مجبور ساخت تا سلاح مورد نیاز خود را از منبعی دیگری دریافت کند، که وابسته به قید و شرط سیاسی نباشد. شوروی چنین شرایط را پذیرفت. مرحوم داود خان، همچنان خودسرانه به این عمل دست نزد، تا که اجازه لویه جرگه را نگرفت.

از نگاه اقتصادی نیز افغانستان نسبت به همسایگانش نیازمند تر بود. برای نیم قاره، استعمار زیربنای اقتصادی را آماده کرده بود. ایران نیز با ثروتش از درک نفت، نه تنها می توانست که زیر بنای اقتصادی را تکمیل کند، بلکه می توانست سریع تر از آنچه الی ۱۹۷۹ قرار داشت، گام بردارد. اما افغانستان محاط به خشکه آنقدر توانایی مادی نداشت، که زیربنای اقتصادی اش را بنا نماید. ثروت های زیر زمینی اش هنوز دست نخورده است و بهره برداری از آن ایجاب سرمایه گذاری های بزرگ را میکند. هر چند کشور ما به غرب و به خصوص امریکا، بخاطر امداد اقتصادی مراجعه می نمود، اما کمک های آنکشور با نیازمندی های اقتصادی ما تناسب نداشت. غرب وقتی کمک هایش را بصورت نسبی افزایش داد که روسیه شوروی در انکشاف زیر بنای اقتصادی ما سهم گرفت. در حقیقت سیاست غرب بیشتر از هر عامل باعث نزدیکی مناسبات با شوروی گردید. این نزدیکی نه تنها در پایان حکومت مرحوم داود خان متوقف نگردید، بلکه در ساحه نظامی و اقتصادی قوس صعودی را می پیمود. بعد از ۱۹۷۳ بود که در نزدیکی مناسبات با شوروی تجدید نظر صورت گرفت و کوشش شد تا از درجه اتکا به شوروی کاهش بعمل آید. همزیستی مسالمت آمیز، بین دو کشور با نظامهای مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر احترام متقابل و رویه بالمثل اساس روابط افغانستان را با شوروی تشکیل داده بود. این اساس به سویه های مختلف و در مراحل مختلف از طرف مقامات افغانی هم در ساحه روابط دو جانبه و نیز در مجامع بین المللی به کرات و مرات توضیح میگردد.

پایان

دیپانو شمیره: له ۱ تر ۱

افغان جرمن آونلاين تاسو په درنښت همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادښت: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لویئ